کارگاه شعر

رنگ آمیز

کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان

سنگ بنایی به نام عاطفه در شعر

هر شاعری نگاه ویژه خود را به جهان، زندگی و اتفاقات مختلف پیرامونش دارد. او نیز مانند همه مردم دنیا احساسات و حالات روحی متفاوتی را در دوران زندگی‌اش تجربه می‌کند، اما در انعکاس این احساسات به مخاطبانش از تصاویر و دایره واژگانی خاصی استفاده می‌کند که مخصوص خود اوست و برآمده از احوال درونی‌اش است. تخیل، وزن و زبان بدون وجود عاطفه شاعرانه نمی‌تواند شعری را به وجود آورد که قدرت انتقال احساسات شاعر را به مخاطب داشته باشد. این یعنی اگر شاعر تحت تاثیر احساسی قرار نگیرد و عواطفش برانگیخته نشود، شعری خلق نمی‌شود، بنابراین عامل اصلی پیدایش یک شعر به «عاطفه» برمی‌گردد. عواطفی مانند غم، شادی، اشتیاق، دلتنگی، عشق و مهر، نوع‌دوستی، خشم، حسرت، ناکامی، انتظار، نوستالژی (اشتیاق بیش از حد برای بازگشت به وضعیت و دوره‌ای از زندگی که آن را از دست داده‌ایم یا آن چه خاطره‌های گذشته را در وجودمان برمی‌انگیزد که ترکیبی است از غمی شیرین با حسرت. از دیدار دوباره زادگاهمان یا اشیا و مکان‌های قدیمی و... به این احساس می‌رسیم)

در ادامه چند شعر سپید کوتاه اثر «نگار فرهمند» از اعضای ارشد مرکز تخصصی ادبیات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد را می‌خوانیم. او در این شعرها عواطف و احساسات شاعرانه‌اش را از پنجره نگاه شخصی خودش بروز داده است. ممکن است هر کدام از ما به‌نوعی یک یا چند گونه از این احساسات را که او در شعرش آورده، تجربه کرده باشیم یا نظیرش را در بروز عواطفِ دیگران دیده و حس کرده باشیم؛ مانند عاطفه غم و دلتنگی که در شعر اول هست یا انتظار، حسرت و عشق و مهر که در شعر دوم احساس می‌شود. عواطف شعر سوم را شما پیدا کنید.

شعر اول:
این اقیانوس‌های در چشم
خون‌های به جگر
سنگ‌های بر سینه
تیرهای در گلو
دردهای لایتناهیِ بی‌صدا
این همه مهجوری و مغمومی
برای برگشتنت کافی نیست؟

شعر دوم:
سال‌هاست درها و پنجره‌ها را بسته‌ام
تا که هوایت نپرد از سرخانه
و غروب‌ها که می‌رسد
می‌ترسم خواب نبردم
و برای دیدنت بیدار بمانم
محبوبِ طالبِ وداعِ من!
تو بگو!
چگونه می‌شود این همه نیاز را
از یک قابِ چوبی طلب کرد؟

شعر سوم:
تنها همین جا
در همین سررسیدهای سال‌های گذشته
صفحه‌های رنگ و رورفته خط‌خطی
خواب‌های گاه‌وبی‌گاه
عکس‌های قدیمی دسته‌جمعی
تنها در همین شعرها
تو و من
با هم هستیم

غلط ننویسیم

مُکفی
این کلمه در عربی به معنای «خوشگذران» است و به معنای «بسنده» به کار نرفته است. امروز در فارسی، خاصه در انشای اداری، آن را به جای کافی به کار می‌برند و غلط است.

مَمهور
به معنای «مُهر شده». کلمه مجعولی است که در دوره صفویه از روی واژه مُهر فارسی به شیوه اسم مفعول عربی ساخته اند. بهتر است که از استعمال آن خودداری شود. به جای آن می‌توان گفت: مُهر شده یا مُهر کرده یا مُهر خورده.

برگرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن»، تالیف استاد حسن انوری

خیز بلند ایران و پاکستان برای پاسداشت زبان فارسی

در سلسله نشست‌های علمی–تخصصی، فرصت‌ها و چالش‌های موجود در مسیر پاسداشت زبان فارسی از نگاه استادان ایرانی و پاکستانی بررسی شد

محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

از چند ماه پیش، سلسله نشست های علمی–تخصصی «زبان فارسی از نگاه استادان ایران و پاکستان» به همت دانشگاه فردوسی، قطب علمی شاهنامه فردوسی و کنسولگری پاکستان به‌صورت ویدئو کنفرانسی در حال برگزاری است. نشست هایی که تا امروز با حضور تعداد زیادی از استادان این حوزه و همچنین نسخه شناسان، شاعران و مسئولان دو کشور برگزار شده و عصر روز دوشنبه با اجرای آخرین برنامه کار خود را به پایان رساند. این نشست (به دبیری معصومه محمود، پژوهشگر ادبیات فارسی و اردو) را می‌توان اقدامی امیدوار کننده در راستای تقویت فعالیت دو کشور در پاسداشت زبان و ادبیات فارسی به شمار آورد. در ادامه گوشه‌ای از سخنرانی آخرین جلسه این رویداد را می‌خوانیم. به گزارش خراسان، محمد شهریار خان، سرکنسول پاکستان در مشهد در سخنرانی کوتاه در این نشست تخصصی ضمن بیان لزوم توجه بیشتر به پاسداشت زبان فارسی، بر همکاری دوجانبه نخبگان ادبی دو کشور تاکید کرد.

در ادامه دکتر غلامرضا حسنی در میان، رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد گفت: دانشگاه‌ها در تقویت اشتراکات فرهنگی و رفع ابهامات مربوط به زبان فارسی تاثیر گذاری فراوانی دارند. امیدواریم در این زمینه بتوانیم در کنار استادان کشورهای پاکستان به پاسداشت زبان و ادبیات فارسی کمک شایان توجهی داشته باشیم. برگزاری جلسات مشترک میان دانشمندان دو کشور بی‌تردید یکی از وظایف دانشگاه‌ها در سطح منطقه است.

وی افزود: برگزاری این نشست ها با موضوعات مختلف را به فال نیک می گیریم، زیرا این برنامه‌های تخصصی راهگشای بسیاری از مسیرهای پیشرفت علمی در آینده به‌شمار می‌آید که نباید از این مهم غافل شد.

■ **مولانا و ترویج زبان فارسی در شبه‌قاره**

رئیس خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در شهر لاهور پاکستان نیز دیگر سخنران این نشست بود. دکتر جعفر روناس، ضمن تاکید بر توجه بیشتر به پاسداشت زبان و ادبیات فارسی، درباره تاثیر مولانا بر ترویج زبان فارسی در شبه‌قاره گفت: مثنوی مولانا در نزد مردم شبه‌قاره، همواره به‌عنوان اثری سرشار از نگاه عالمانه به حقایق هستی به شمار می‌آید. این اثر فاخر به‌قدری در زندگی مردم پاکستان رسوخ کرده که آن‌ها در گفت‌وگوهای روزمره خود همواره از برخی اشعار مولانا استفاده می کنند. با وجود این که مولانا سفری به شبه‌قاره نداشته، اما شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، عرفانی و فرهنگی زیادی در پاکستان تحت تاثیر اشعار او قرار گرفته‌اند. امروز اصول گفتاری و مفاهیم مثنوی در خانقاه‌های مختلف پاکستان مورد بهره‌برداری قرار می گیرد و عارفان زیادی به انتشار تفکر معنوی مولانا مشغول‌اند. شب‌های جمعه، مراسمی بر اساس مثنوی‌خوانی شکل می گیرد. مراسم چله، رقص روح و سماع از دیگر برنامه‌هایی است که رنگ و روی شعر مولوی در آن هویداست.

وی افزود: از گذشته‌های دور تا روزگار ما مثنوی در پاکستان به‌عنوان مرجعی گران قدر، دستمایه سرودن اشعاری توسط شاعرانی است که به تصوف و عرفان گرایش دارند از جمله شاعرانی که بر پایه این اصل مهم شعرهای ماندگاری را سروده‌اند می‌توان به طالب آملی، کلیم کاشانی، علی احمد، شرف شاه، امیر خسرو دهلوی، میر تقی میر، محمد بحر العلوم و... اشاره کرد. از میان این بزرگان چندین سخنور نامدار نیز از نظام فکری و کلامی این شاعر بهره برده‌اند، به همین دلیل امروز شاهد خلق مثنوی‌های زیادی در شبه‌قاره هستیم که از مولوی تاثیر پذیرفته است. اقبال لاهوری نیز با تکیه بر افکار همین شاعر روشن‌ضمیر، شعرهای زیادی به زبان فارسی سروده و فارسی‌زبانان زیادی را تحت تاثیر افکار آزادی خواهانه و انسان دوستانه خود قرار داده است. همه این موارد نشانگر این مهم است که مولانا همچنان پس از قرن‌ها نقش مهمی در زنده نگه‌داشتن زبان فارسی در پاکستان دارد.

■ **ادبیات عرفانی و پاسداشت فارسی**

دکتر مرتضی عمرانی، استادزبان و ادبیات فارسی که سال‌های فراوانی در پاکستان به تدریس و تحقیق در زمینه مسائل بنیادین زبان و ادبیات فارسی پرداخته، ضمن اشاره به تاثیر گسترش ادبیات عرفانی بر ترویج زبان فارسی در شبه‌قاره گفت: اگرچه نمی‌توان تاریخ دقیقی را برای ترویج عرفان و تصوف در شبه‌قاره و کشور هند در نظر گرفت، اما بر کسی پوشیده نیست که تصوف همواره در شبه‌قاره هند، جاذبه‌های زیادی داشته و عموم مردم این منطقه تمایل شدیدی به عرفان داشته‌اند. مهم‌ترین ریشه‌های این تمایلات را می‌توان در «ادبیات ودعی» یا «وداع‌ها» یافت.

وی افزود: عارفانی که به گسترش تصوف در شبه‌قاره هند می‌پرداخته‌اند به زبان فارسی سخن می‌گفتند و به همین دلیل نقش تصوف و صوفیان را در ترویج زبان فارسی در هند و شبه‌قاره نمی‌توان نادیده گرفت.

دکتر عمرانی تصریح کرد: غالباً عموم مردم شبه‌قاره و به‌ویژه مردم پاکستان، زبان فارسی را مقدس می‌شمارند و دلیل این عقیده هم این است که این زبان را زبان اولیاء... و قدیسان خودشان می‌دانند. آن‌ها معتقدند اسلام را به‌وسیله زبان فارسی فراگرفته‌اند. تالیف کتاب‌های صوفیانه به زبان فارسی نیز یکی از عرصه‌های مهم و موثر در ترویج زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره به شمار می‌آید.

وی در ادامه ضمن تاکید بر لزوم بازبینی و تصحیح نسخه‌های خطی موجود در پاکستان خاطرنشان کرد: نکته مهمی که امروز باید به آن توجه داشت نگاهی دوباره به فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در پاکستان است. در برخی از نسخه‌های قدیم به دلیل دسترسی‌های دشوار به اطلاعات دقیق، مباحثی وارد شده که خالی از اشکال نیست، در نتیجه ضروری به نظر می‌رسد که این منابع دوباره تصحیح و بازنویسی شود. به‌عنوان مثال بنده در دانشگاه پنجاب نسخه‌ای از دیوان حافظ شیرازی دیدم که اگرچه دارای اطلاعات ارزشمندی است، اما ابهاماتی در آن به چشم می‌خورد پس در نتیجه باید بازنگری و اصلاح شود.

■ **مولانا و اقبال، پاسداران زبان فارسی در پاکستان**

دکتر مظفر علی کشمیری، استاد زبان و ادبیات فارسی و از پژوهشگران مشهور پاکستانی نیز ضمن اشاره به تاثیر مثنوی بر پاسداشت زبان فارسی در پاکستان گفت: مثنوی مولانا در شبه‌قاره خدمات زیادی به تفکر عرفانی و زبان فارسی داشته است. از گذشته‌های دور تا امروز مراسم مثنوی‌خوانی در پاکستان همواره برپاست. در این میان شاعر ملی پاکستان یعنی اقبال لاهوری یکی از افرادی است که در شناساندن هر چه بیشتر مولانا به مردم پاکستان و همچنین پاسداشت زبان فارسی نقش مؤثری داشته است. او همواره خود را مرید مولانا می‌داند و تا واپسین لحظات عمرش دو کتاب قرآن و مثنوی معنوی را مطالعه می‌کرد. تمام این موارد نشان‌دهنده جایگاه والای زبان و ادبیات فارسی در پاکستان است.

وی افزود: تاریخ ورود مثنوی به سرزمین ما در قرن هفتم هجری قمری قطعی است و این اثر جاودانه تاثیرات زیادی در سرایش مثنوی‌های دیگر داشته است. اگرچه زبان رایج امروز در پاکستان اردو است، اما علاقه فراوان مردم پاکستان به شعر فارسی باعث شده امروز آثار شاعران بزرگی مانند حافظ، سعدی، عطار، خیام و ... به زبان اردو ترجمه شود و مردم پاکستان به مطالعه این اشعار بپردازند.

■ **ردپای فارسی در نسخه‌های کهن پاکستان**

دکتر احسان خزائی، رایزن فرهنگی ایران در پاکستان نیز در این نشست ویدئو کنفرانسی درباره وضعیت زبان فارسی در این کشور گفت: در پاکستان فرصت‌ها و زمینه‌های زیادی برای آموزش زبان فارسی وجود دارد. علاقه‌مندی به زبان فارسی در پاکستان در حد خوبی قرار گرفته، بزرگان دینی و هنرمندان زیادی با آن که زبانشان اردوست، تلاش می کنند حتی اگر شده در قالب یک بیت به زبان فارسی با مردم پاکستان به گفت‌وگو بنشینند.

رایزن فرهنگی ایران در پاکستان افزود: در پاکستان نسخه‌های خطی زیادی از دوران کهن وجود دارد که گویای تاریخچه درازدامن و جایگاه شایسته زبان فارسی در این کشور است. اگر هر فرد پاکستانی بخواهد ارتباط خودش را با گذشته‌اش حفظ کند، بی‌تردید باید زبان فارسی را فرابگیرد، زیرا چاره دیگری جز این راه وجود ندارد.

وی خاطرنشان کرد: در سال‌های اخیر مسئولان هندوستان به اهمیت زبان و ادبیات فارسی و پاسداشت آن پی برده‌اند و به همین دلیل، زبان فارسی را در فهرست دروس، دوران تحصیلی ابتدایی خود گنجانده‌اند (البته دروس هنوز به شکل اختیاری ارائه می‌شود). انجام این اقدامات و مشابه آن در پاکستان نیز می‌تواند به اتفاقات شایسته‌ای ختم شود.

دکتر خزائی تصریح کرد: مردم پاکستان برای ارتباط با کشورهای اطراف خود نیز نیاز به فراگیری زبان فارسی دارند. خوشبختانه امروزه، زبان فارسی در پاکستان مقبولیت خوبی دارد و این اشتیاق به دانستن زبان فارسی مقدمات لازم برای تسهیل انجام اقدامات برای پاسداشت زبان و ادبیات فارسی و ترویج آن را فراهم کرده است. بی‌تردید کارهای زیادی در این زمینه می‌توان انجام داد.

■ **نسخه‌های خطی دور از دسترس**

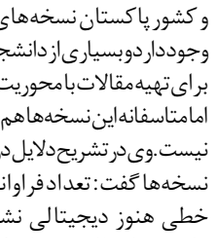

در پایان این مراسم دکتر محمدجعفر یاحقی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ضمن تشکر از اقدامات سرکنسول کشور پاکستان در مشهد گفت: جناب محمد شهریار خان، سرکنسول پاکستان نگاه روشنی به پاسداشت زبان فارسی دارد. همه ما باید این نگاه مهرورزانه را غنیمت بداریم. امسال در روز اقبال به همت کنسولگری پاکستان در مشهد مراسمی با شکوه با حضور استادان سرشناس زبان و ادبیات فارسی برگزار شد. علاوه بر این اقدامات سازنده فراوان دیگری نیز در دستور کار سرکنسول قرار گرفته که نوید بخش برقراری ارتباط‌های گسترده‌ای در آینده است. در روزگار ما اهمیت زبان فارسی و پاسداشت آن بسیار زیاد است و اهل فضل این مهم را دریافته‌اند.

عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی افزود: شبه‌قاره و به‌ویژه پاکستان اهمیت ویژه‌ای در زمینه مطالعه زبان فارسی دارد. بنده و دیگر استادان زبان و ادبیات فارسی پیگیری‌های لازم را از طریق فرهنگستان و دانشگاه فردوسی انجام می‌دهیم تا مقدمات پاسداشت روزافزون زبان فارسی و ارتباطات بیشتر با کشور پاکستان را فراهم کنیم. وی خاطرنشان کرد: در شبه‌قاره و کشور پاکستان نسخه‌های خطی ارزشمندی وجود دارد و بسیاری از دانشجویان ما علاقه زیادی برای تهیه مقالات با محوریت این نسخه‌ها دارند، اما متاسفانه این نسخه‌ها هم اکنون در دسترس ما نیست. وی در تشریح دلایل در دسترس نبودن این نسخه‌ها گفت: تعداد فراوانی از این نسخه‌های خطی هنوز دیجیتالی نشده به همین دلیل دانشجویان فارسی‌زبان کشورهای دیگر که در پاکستان حضور ندارند برای دسترسی به این منابع ارزشمند با مشکلات فراوانی مواجه هستند. ما درخواست داریم که مسئولان زبان و ادبیات فارسی در پاکستان اقداماتی را برای چاپ نسخه‌های خطی انجام دهند تا مطالعات فنی بر روی این نسخه‌ها سرعت مناسب‌تری به خود بگیرد. دکتر یاحقی تصریح کرد: البته نسخه شناسان زیادی در پاکستان حضور دارند که با همکاری‌های دوجانبه زمینه‌های مناسبی را برای تحقیق و پژوهش‌های دانشجویان و استادان زبان و ادبیات فارسی فراهم کرده‌اند که این اقدامات جای سپاسگزاری دارد.

این استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی افزود: امیدواریم با کمک استادان پاکستانی و فرهنگستان زبان اردو اقدامات لازم برای دسترسی‌پذیری بیشتر به این نسخه‌ها انجام شود.

بادمان

نیما از دهکده یوش تا شهر تهران

به مناسبت سالروز درگذشت نیما یوشیج نگاهی گذرا به برخی آثار او داشته‌ایم

دکتر نعمت ا... پناهی
calture@khorasannews.com

علی اسفندیاری یا همان نیما یوشیج (۱۲۷۶–۱۳۳۸) را شعر دوستان به خوبی می‌شناسند. لقب «پدر شعر نوی فارسی» نقش جریان‌ساز و تحول‌آفرین نیما را در تاریخ شعر فارسی نشان می‌دهد. شناخت ما از شعر نیما بدون آگاهی از اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در اواخر قرن ۱۳ و سراسر قرن ۱۴ بسیار سطحی و ناقص خواهد بود. انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ش/ ۱۳۲۴ ق) نقطه خوبی است که بدانیم نظام سیاسی ایران پوست‌اندازی کرد و از سلطنت مطلقه به نظام مشروطه و تاسیس مجلس و تبعیت از قانون تغییر یافت. نیما در این ایام، کودکی ۱۰ ساله است که در دهکده سرسبز «یوش» مازندران و برفراز کوه‌های رفیع، زندگی کوچ‌نشینی را می‌گذراند و در ۱۲ سالگی با خانواده‌اش به تهران می‌آید و با زبان و ادبیات فرانسه در ۲۰ سالگی آشنا می‌شود.

■ **«قصه رنگ پریده»**

سال ۱۳۰۰ در بردارنده اتفاق مهمی در زندگی نیماست، چون اولین اثر ادبی خود یعنی مثنوی بلند «قصه رنگ پریده» را چاپ می‌کند.

«من ندانم با که گویم شرح درد/قصه رنگِ پریده، خونِ سرد/هر که با من همره و پیمانه شد/عاقبت شیدا دل و دیوانه شد/قصه‌ام عشاق را دل‌خون کند/عاقبت خواننده را مجنون کند/آتشِ عشق است و گیرد در کسی/کو ز سوز عشق، می‌سوزد بسی...»

این مثنوی بلند که نشانگر هنرمندی نیما در شعر کلاسیک است، پیش‌زمینه‌ای است برای چاپ مجموعه شعر «افسانه» که سال ۱۳۰۱ منتشر شد. «افسانه» فضای متفاوتی دارد و از نخستین شعرهای روایی نیما به شمار می‌آید که از دو روایت کامل و تعدادی پاره‌روایت تشکیل شده است:

در شبِ تیره، دیوانه‌ای کاو
دل به رنگی گریزان سپرده
در درهٔ سرد و خلوت نشسته
همچو ساقه گیاهی فسرده
می کند داستانی غم‌آور...

■ **قُقنوس در مه**

سال ۱۳۰۳ این دوره آشوبناک، مجلس شورای ملی رای به عزل احمدشاه می‌دهد و رضاخان را به سلطنت می‌نشاند. نیما دو سال بعد یعنی ۱۳۰۵ در ۲۹ سالگی با عالیه جهانگیر، خواهرزاده جهانگیرخان صوراسرافیل ازدواج می‌کند. با همسرش به آمل و سپس به رشت برمی‌گردد. سرودن شعرهای متعدد و حکایت‌های کوتاه تمثیلی محصول این دوران است تا سال ۱۳۱۴ که بازگشت دوباره نیما به تهران و یک سال بعد مشغول تدریس ادبیات در مدرسه صنعتی ایران و آلمان است. نقطه عطف زندگی هنری نیما سال ۱۳۱۶ و سرودن شعر «ققنوس» است:

قُقنوس، مرغ خوشخوان، آوازه جهان،
آواره مانده از وزش بادهای سرد،
بر شاخ خیزران،
بنشسته است فرد.
بر گرد او به هر سر شاخی پرندگان...

«ققنوس» شاخص‌ترین اثر متجددانه نیماست که در هیاهو و مخالفت سرسختانه سنت‌گرایان گل می کند و شناسنامه شعر نوی فارسی می‌شود. «ققنوس» بعدها یعنی اردیبهشت ۱۳۱۹ در مجله موسیقی چاپ می‌شود.

■ **بانگ ناقوس**

پرونده شعرهای نیما تا سال ۱۳۲۳ به شعر «ناقوس» می‌رسد:

بانگ بلندِ دلکشِ ناقوس
در خلوت سحر
بشکافته‌ست خرمن خاکستر هوا
وز راه هر شکافته باز خمه‌های خود
دیوارهای سرد سحر را
هر لحظه می‌درد
مانند مرغ ابر
کاندر فضای خامش مرداب‌های دور
آزاد می‌پرد...

«ناقوس» انعکاسی است نمادین از اوضاع مه گرفته سیاسی. بانگ ناقوس در گوش خفتگان طنین‌انداز می‌شود به امید بیداری! تجربیات شعری نیما بعدها با سرودن شعرهایی مثل «آی آدم‌ها»، «شب است»، «مرغ آمین»، «داروگ»، «ری را»، «هست شب» و... تکمیل می‌شود. این شعرها پایه‌گذار جریانی در شعر معاصر است که به شعرهای نمادین (سمبولیک) همراه با مفاهیم و مضامین اجتماعی مشهور می‌شود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوران دل‌آزاری نیما از زدوبندهای دنیای سیاست است. در کنج انزوای سال ۱۳۲۵ گفته است: «زیاد می‌نویسم و کم انتشار می‌دهم». نیما سال‌های آخر بیشتر به «یوش»، سرزمین آرمانی و کودکی‌اش پناه می‌برد. عاقبت، زمستان سرد یوش بیمارش می‌کند و سرانجام ۱۳ دی ۱۳۳۸ برای همیشه چشمان تیزبین نیما، این نابغه شعر نو به دست مرگ بسته می‌شود.

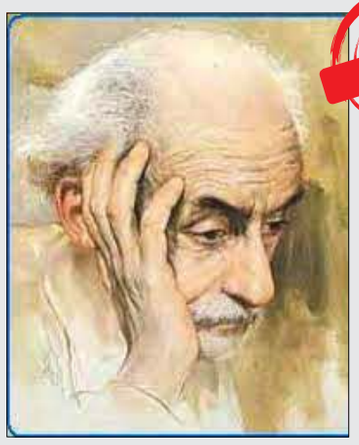

هنری

یک آهنگ‌ساز و خواننده مدیر کل دفتر موسیقی شد

هفته گذشته، محمد الهیاری فومنی پس از یک دوره مدیریت طولانی جایگاه مدیریتی خود را در دفتر موسیقی به امیرحسین سمیعی که خود آهنگ‌ساز و البته خواننده است، سپرد تا مدیریت موسیقی در ایران به یک خواننده و آهنگ‌ساز سپرده شود. به گزارش ایسنا، امیر حسین سمیعی در حالی از معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به دفتر موسیقی وزارت ارشاد رفته است که چندی پیش وزیر فرهنگ درباره تغییر مدیر کل دفتر موسیقی به خبرنگاران گفته بود: «آقای الهیاری جزو مدیران خیلی خوب ماست و در حال حاضر ترجیح من این است که همه چیز بدون کمترین تغییر باشد. اگر وزارتخانه ما را با سایر وزارتخانه‌ها مقایسه کنید، در سطح مدیران ارشد تقریباً تغییری نداشته‌ایم؛ به همین دلیل من بنایی بر تغییر ندارم، مگر این که ضرورتی وجود داشته باشد.»

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com